

استعمارگران این باریخن ملت ما را بشکل دیگر پاره میکنند

دوستان نزدیک من به این عقیده هستند، که مزدوران و دشمنان داخلی مردم هر مملکت بخاطر حفظ و تأمین منافع خود شان در خدمت شرق و غرب و خصوصاً روس و انگلیس در آمده طرف نیز با زرنگی خاص سیاسی، خابین و ضعیف النفس را استخدام کرده و با پول دالر و ریال و پوند کلدار و ایروی غربی، به نامهای مستعربانه یخن انسان های شریف به این ویان بهانه نا جوان مردانه می اندازند، و قلم فرسایی می کنند. به توصیه یکی از دوستان تصمیم داشتم مدت چندی رد پای مستعربان نویسان را بگیرم و پی زنی نکم و آنها را به حال خود شان بگذارم. در عوض چلوصاف پُرکثافت باداران شانرا از آب گل آلود شان بیرون کنم. و سوابق شیطنت آمیز پدران زمامداران شرق و غرب را با اسناد افشاء نمایم. این هم توصیه ای خوب است و هم شنیدن حرف دوستان گنج پُر از زراست و نباید آنرا دست کم گرفت، لازم دیدم که دامن توصیه دوستان را محکم گیرم، به دنبال روش های قبلی خود که زمانی تبصره های سیاسی می نوشتم، و ابراز نظر در لابلای طنزهای کوتاه و دراز می کردم، برگشته فاسق و فاجر را رسوا نمایم. خدا کند که نوشته ها و طنز های حقیقت جوینان من و رانه تعبیر نگردد، و از آن شلاق ها، طعنه ها و سر زنش هائیکه بر عبید زگانی در زمان و عصرش زدند، حواله من نکنند و یا مرا مثل "لوتر" معروف اجاره داران دین تکفیر نکنند، و بدست قاضی و مفتی طالبی ندهند، که نه حق مرافعه طلبی داشته باشم و نه هم حق تمیز طلبی، بلکه به مانند دوران سفید (شما آنرا سیاه بخوانید، زیرا در این روز ها سیاه را بد گفتن حمله به اوبامای عزیز تلقی شده خطر بگرام و گوانتانامو را به دنبال دارد) مجاهدین سر به کف و طالبان کرام در پی یک محکمه صحرائی قبل از آن که آقای مجددی که بد بختانه زمانی چند روزی استاد من بود و در سنا مصروف جدال های بی سر و بی پا است به دادم برسد، راهی گورستان گردم. (من هم عجب آدمی هستم، توقع از مجددی دارم و باز هم فراموش کردم که وی به خاطر حفظ سنت خانوادگی قسم خورده با کسی مفت حرف نزند.

و اما تا جائیکه دیده می شود انگیز پلان های قبلی پدران خود را، سر ناتو امریکا و روس در منطقه با زرنگی خاص خودش قبولانده، و در حالت تطبیق آن است، شاه شجاع های زرنکتر را که در ظاهر لاف آزادی و انتقاد می زنند و جنگ های زرگری را رویکش هدف های قدرت طلبی و مزدوری خود زیر نقاب مردی و شجاعت نموده اند، به نمایش گذاشته اند.

بداران این افراد در منطقه بخاطر فریب ملت ما آنها را آله دست و بازیچه خود نا جوان مردانه و بی شرمانه ساخته اند. کرزی و ضیاء مسعود طوریکه طالب را به کمک اجنبی کشیدند. می خواهند باز همان طالب را بشکل و لباس دیگر به میدان آورده مردم را بی سر و سر خود را صاحب کلاه سازند. چنانچه از یک طرف کرزی به طالب باز می شغول است و از طرف دیگر ضیاء مسعود می کوشد با خود شیرینی آن داره «کوران» را از خود سازد.

بزرگان گفته اند: "پار قدیم اسپ زین کرده" این بازی خطرناکتر از آن است که شاه شجاع بزرگ و شاه شجاع کوچک کرزی و ضیاء مسعود بتوانند با آن بازی نمایند. «کور» هائیکه به ظاهر هیچ جایی را نمی بینند و صرف می خواهند از افتادن خود جلو گیری نمایند، تجربه ثابت نموده که به مجرد چسپیدن دست شان به جایی با همان یک چشم به هدایت ای. اس. آی به جان مردم افغانستان افتاده، روی چنگیز و هلاکو خان مغل را سفید می سازند. آیا این حرف "هستی" تهداب محکم تاریخی دارد؟ یا خیال بافی بوده بیشتر از نقشی میان در آب نیست.

**چه گفتمی دلیل اش بیاور چو خورشید
که کودن نباید بر خود، بهانه تراشید
"هستی"**

حالا که حیات سیاسی این دو دلکک شناخته شده "کرزی و ضیاء مسعود" با جبهه متحد ملی "کمونیست نما و مسلمان نما" به اخر رسیده خود رسوا شده و آب از سر این بی مایگان خود فروخته تاریخ زده پریده است، بخاطر ادامه حیات تنگین سیاسی خود و اطمینان دادن نوکری دوباره به باداران اجنبی از طرف دیگر میدان به دویدن شروع نموده می خواهند و انمود سازند که گویا از اول مخالف تجاوز بیگانگان و قتل عام مردم خود بوده اند. از این تولیدات کارخانه غلام سازی بن کدام گله ای وجود ندارد، ملت باید درگ کند و دیگر فریب اجنبی و دار و دسته مزدور اجنبی و سایت های انترنتی و دیگر مدیای مزدور و خاین که با نویسندگان و گویندگان شان در خدمت شیطان های بزرگ و کوچک قرار دارند، نخورند که "تکرار اشتباه گناه است"

به گفته مردان با تجربه "واه از آن روزیکه خود نمک گندیده باشد" اینها از همان نمک گندیده هستند که به زخم ناسور ملت ما دیگر به درد نمی خورند و برای نجات خودباید مردم از مکتب علیخان تتمدره ای ، میر عثمان پروانی ، میر مسجدی خان کوهستانی ، ملا مشک عالم وردکی ، نایب امین الله خان لوگری و خانم ملا لی میوند پیروی نمایند، نه قهرمانان خود ساخته سیستمی و سایر نوکران خاندانی چون نواب زمان خان ها ، دوست محمد خان ها و دیگر وطن فروشان خاندان بارکزائی.

شهامت یک مجاهد وقهرمان واقعی را از خود نشان دهند دنبال مفکوره قهرمانان تلخانی و بابا های لوی جرگه امریکایی و بابا های فاشیستی و قرآن خوران تاریخ زده مثل محمد گل مهمند جاسوس شناخته شده هند برتانوی نروند به کرزی ها ، جلالی ها ، احدی ها ، غنی احمد زی ها، خلیل زاد ها عبدالله عبدالله ها ، شیرزی ها و دیگر دنباله روان شغالان اجنبی مثل حزب دموکراتیک خلق ، مجاهد ، طالب ، شاه پرستان ، فاشیستان ملیت های مختلف افغانستان که در راس شان رهبران قلابی ساخت اجنبی قرار دارند، نروند و چهره های منحوس سیاسی این دار و دسته ها را افشاء کنند. مستقلانه عمل نمایند در غیر آن حالت بد این دوصد سال را که استعمار برسر ملت ما بی شرمانه آورده از خود دور کرده نمی توانند بگفته سید یوسف عثمان پروانی " نجات یک ملت محکوم بدون قربانی و عمل مستقلانه با سازش و معامله گری مزدورانه بنیاد آزادی یک ملت با غرور شده نمی تواند ملتیکه نجات خود آزادی را در سازش با اجنبی می بیند خواب و خیالی بیش نیست و من به ببرک گفتم قماری که تو با روس زدی نه راه نجات حزب تو است و نه راه نجات ملت ما سر انجام موج در یای خجالت سیاست شما از عقب قله کوه پامیر دیده خواهد شد که روس و شما خس آن موج خواهید بود و مجاهد هم از این دریای پرموج گنده بعد از قرارداد سالنگ آب خورد که دل بدی آن نقش تاریخ خواهد شد ."

افسوس که بعد از قرارداد سالنگ بین مجاهدین و روس شهید سیدیوسف عثمان پروانی به اثر توطئه حزب دموکراتیک خلق و مجاهدین کشته شد کاش زنده می بود و می دید نه تنها از دریا های گنده استعمار حزب دموکراتیک خلق و مجاهد آب خورد طالب و کرزی هم از آب های دریا ی گنده استعمار آب نوشیدند و آب می نوشند و کسانیکه در توطئه بر انداختن کرزی از کرسی مزدوری است از دریای گنده استعمار آب نوشیده اند و می نوشند

گنده نوشی های زمامداران افغانستان از داوود بشگل علنی شروع شد و امروز سبب شده که دار و دسته فاشیستی قیلوی و سلطنت پرستان بی آبرواز داوود دکتاتور آخرین فرد مستبد سلطنت که مزدور اول روس و رانده شده روس بود از گذشته ننگین آن با پُر رویی و بی شرمی غیر مستقیم مجسمه وطن پرستی بتراشند که این هم قابل تشویش است که ملت ما "گاو را سر گاو میش شهزاده می دانند" بگفته عثمان پروانی به خاطر نجات ملت، غیر قربانی و عمل مسقلانه راه دیگری که سبب بنیاد آزادی شود نیست .

نمک گندیده چه باید کرد زخم ناسور را
که " آب از سر پریده زیر پا بچه " می میرد
" هستی "

در این جا به خاطر تنوع و اثبات ادعایم که هر دو طرف مزدور و خود فروخته اند و نباید مثل معروف مردم کابل را که گفته اند: "نه کل ماند نه کدو ، لعنت بر سر هر دو" از یاد برد ، نوشته آقای انجنیر محمد نعیم بلخی را که قبلاً در سایت "افغانستان ازاد" نشر شده می آورم باشد " عبرتی گردد منکران را"

[D:\AA\tanz\022109-MNB-Karzay-wa-Zeyaa\[1\].pdf](D:\AA\tanz\022109-MNB-Karzay-wa-Zeyaa[1].pdf)

So many new options, so little time. [Windows Live Messenger.](#)